

نحوه پوشش و حضور اجتماعی زنان

در صدر اسلام*

منیر پشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

چکیده

زنان در دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به اندازه مردان بهره‌مند می‌باشند. زنان صدر اسلام با حفظ پوشش و حجاب، در جامعه حضوری فعال و مثبت داشته‌اند. این مقاله، با بررسی نگرش‌های موجود درباره پوشش زنان در صدر اسلام و علل پرده‌نشینی آنان در طول تاریخ، حضور زن در جامعه اسلامی را در سه حوزه علمی، اجتماعی و اقتصادی مورد بحث قرار داده و علت و تفاوت حضور اجتماعی زن در عصر نبوی و علوی با حاکمان بعدی را بیان می‌دارد؛ زیرا آنچه که در میراث و تمدن اسلامی رخ داده حاصل عملکرد حاکمان بوده و با اصل اسلام و مبنای عمل به سیره نبوی و علوی تفاوت و فاصله زیادی دارد. با استناد به سیره، می‌توان گفت: حضور زن در جامعه اسلامی مورد تأیید و تأکید بوده است و هیچ‌گونه منعی برای آن وجود نداشته است.

کلیدواژه‌ها: زن، پوشش، پرده‌نشینی، حضور اجتماعی، صدر اسلام.

مقدمه

لزوم پوشیدگی زن در برابر مرد بیگانه یکی از مسائل مهم اسلامی است که در قرآن کریم نیز بدان تصریح شده است؛ ولی باید به این نکته توجه داشت که این مسئله بدین معنا نیست که زنان نباید از خانه بیرون بروند. استعمال کلمه «حجاب» به جای «پوشش» در طول تاریخ شبهاتی را ایجاد کرده و همراه با علل تاریخی دیگر، باعث پرده‌نشینی و انزوای زنان در برخی از دوره‌های تاریخی شده است؛ چنان‌که بسیاری از افراد، بخصوص حکومت‌ها و دولت‌مردانی که حضور زنان در جامعه را به سود خود نمی‌دیدند، با قرائت‌هایی از سیره و به نام اسلام، زنان را از عرصه اجتماع حذف نمودند. حال آنکه زنان در زمان حضرت رسول ﷺ و نیز حضرت علی علیه السلام در جامعه حضوری فعال داشتند. مسئله اصلی در این بحث این است که ارتباط تنگاتنگی بین اقتدا به سیره نبوی و حضور زن در صحنه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد.

پس از پیامبر گرامی ﷺ، در ادوار تاریخ اسلام، افت و خیز این حضور، به عمل و اتکا به سیره آن بزرگوار و یا رها کردن آن بستگی دارد. رابطه معناداری که بین عمل به سیره در میان حاکمان و زمام‌داران جهان اسلام و حضور اجتماعی زن در عصرهای گوناگون به چشم می‌خورد از این حقیقت پرده برمی‌دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که حذف زن از صحنه‌های اجتماعی در برخی از زمان‌ها حاصل برداشت‌ها و تفسیرهای غیر مرتبط با سیره نبوی است. از این‌رو، باید از نسبت و ارتباط دادن آن به اسلام اجتناب کرد و برای ریشه‌یابی آن به دنبال دیدگاه‌های حاکمان و عوامل تاریخی دیگر گشت.

در این مقاله، با بررسی سیر تاریخی حجاب در ادیان و ملل دیگر، بحث خود را با این موضوع شروع می‌کنیم که آیا پوشش از مختصات اسلام است و پس از ظهور اسلام، از مسلمانان به غیرمسلمانان سرایت کرده است و یا اینکه از مختصات اسلام و مسلمانان نیست و در میان ملل دیگر پیش از اسلام نیز وجود داشته است؟ پس از بیان دیدگاه‌های اسلام در مورد پوشش، نحوه حضور زن در جامعه صدر اسلام و نیز علل تاریخی پرده‌نشینی زنان را بررسی خواهیم کرد.

پیشینه تاریخی حجاب

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است. اما در عصر جاهلیت حجاب وجود نداشته و به وسیله اسلام در میان اعراب رواج پیدا کرده است.

ویل دورانت درباره قوم یهود و قانون «تلمود» می‌نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنان‌که مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» (دورانت، ۱۳۴۱، ج ۱۲، ص ۳۰) وی همچنین راجع به ایرانیان قدیم می‌نویسد: «در زمان زرتشت زنان منزلتی عالی داشتند؛ با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می‌کردند...» (همان، ج ۱، ص ۵۵۲) وی در

ادامه چنین می‌گوید: «پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر گوشه‌نشینی زمان حیض که بر ایشان واجب بود، رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی‌شان را فرا گرفت، و این امر خود مبنای پرده‌پوشی در میان مسلمانان به شمار می‌رود. زنان طبقات بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را هر چند پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد...» (همان)

وی در جایی دیگر دربارهٔ ایرانیان باستان می‌گوید: «داشتن متعه بلامانع بود. این متعه‌ها مانند معشوقه‌های یونانی آزاد بودند که در میان مردم ظاهر و در ضیافت مردان حاضر شوند، اما زنان قانونی معمولاً در اندرون خانه نگه‌داری می‌شدند. این رسم دیرین ایرانی به اسلام منتقل شد.» (همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳)

از سخنان ویل دورانت دو مطلب فهمیده می‌شود: وی از یک سو، مدعی است که حجاب به وسیله ایرانیان پس از مسلمان شدنشان در میان مسلمانان رواج یافت و از سوی دیگر، ترک همخوابگی با زن حائض را در حجاب زنان مسلمان و دست‌کم در گوشه‌گیری آنان مؤثر می‌داند. حال آنکه از نظر اسلام، زن حائض از نظر معاشرت با دیگران هیچ‌گونه ممنوعیتی ندارد تا عملاً مجبور به گوشه‌نشینی شود. سخن وی درباره سرایت حجاب ایرانیان به مسلمانان نیز نادرست است؛

زیرا پیش از اینکه ایرانیان مسلمان شوند آیات مربوط به حجاب نازل شده بودند. در تفسیر کشاف، ذیل آیه ۳۱ سوره «نور» چنین آمده است: «عایشه همواره زنان انصار را اینچنین ستایش می‌کرد: مرحبا به زنان انصار! همین که آیات سوره نور نازل شد، یک نفر از آنان دیده نشد که مانند سابق بیرون بیاید. سر خود را با روسری‌های مشکی می‌پوشیدند؛ گویی کلاغ روی سرشان نشسته است.» (به نقل از: مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۴)

جواهر لعل نهرو نیز معتقد است که حجاب از ملل غیر مسلمان روم و ایران به جهان اسلام وارد شد. وی ضمن ستایش تمدن اسلامی، با اشاره به تغییرات به وجود آمده در این تمدن، می‌گوید: «یک تغییر بزرگ و تأسف آور نیز تدریجاً روی نمود و آن در وضع زنان بود. در میان زنان عرب رسم حجاب و پرده وجود نداشت. زنان عرب جدا از مردان و پنهان از ایشان زندگی نمی‌کردند، بلکه در اماکن عمومی حضور می‌یافتند؛ به مسجدها و مجالس وعظ و خطابه می‌رفتند و حتی خودشان به وعظ و خطابه می‌پرداختند. اما عرب‌ها نیز بر اثر موفقیت‌ها، تدریجاً بیش از پیش رسمی را که در امپراتوری مجاورشان یعنی امپراتوری روم شرقی و امپراتوری ایران وجود داشت اقتباس کردند. عرب‌ها امپراتوری روم را شکست دادند و به امپراتوری ایران پایان بخشیدند؛ اما خودشان هم گرفتار عادات و آداب ناپسند این امپراتوری‌ها گشتند. به قراری که نقل شده است، مخصوصاً بر اثر نفوذ امپراتوری قسطنطنیه و ایران بود که رسم جدایی زنان از مردان و پرده‌نشینی ایشان در میان عرب‌ها رواج پیدا کرد. تدریجاً سیستم "حرم" آغاز گردید و مردها و زن‌ها از هم جدا گشتند.» (نهرو، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۳۲۸)

این سخن درست به نظر نمی‌آید؛ چون خود اسلام به حجاب توجه داشته است، ولی بعدها بر اثر معاشرت اعراب مسلمان با تازه مسلمانان غیرعرب، حجاب از آنچه در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت شدیدتر شد. در هند نیز حجاب سخت و شدیدی حکم فرما بوده است، ولی به درستی روشن نیست که آیا این حجاب پیش از نفوذ اسلام وجود داشته و یا بعدها پس از نفوذ اسلام در این کشور رواج یافته است و هندوان غیرمسلمان تحت تأثیر مسلمانان و بخصوص مسلمانان ایرانی حجاب زن را پذیرفته‌اند؟ آنچه مسلم است این است که حجاب هندی نیز نظیر حجاب ایران باستان سخت و شدید بوده است. نهرو در جایی دیگر چنین می‌گوید: «متأسفانه این رسم ناپسند کم‌کم یکی از خصوصیات جامعه اسلامی شد و هند نیز وقتی مسلمانان بدین جا آمدند آن را آموخت.» (همان، ص ۳۲۹) به عقیده نهرو، حجاب هند به واسطه مسلمانان به هند آمده است. به هر حال، به طور قطع می‌توان گفت: پیش از اسلام حجاب در جهان وجود داشته و اسلام مبتکر آن نبوده است.

پوشش (حجاب) زن در اسلام

در ابتدا بجاست به معنای لغوی «حجاب» که در عصر ما برای پوشش زن به کار می‌رود پردازیم. کلمه «حجاب» هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب. ولی بیشتر استعمال این لغت به معنای پرده است و از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و در حقیقت، آن پوششی «حجاب» نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و بخصوص در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنای پوشش می‌باشد به کار رفته است. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم؛ زیرا معنای لغت «حجاب» پرده است و بسیاری گمان می‌کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند؛ زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند چنین چیزهایی وجود داشته است. ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد...» (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۷۳)

آیات مربوط به پوشش که در سوره مبارکه «نور» و سوره مبارکه «احزاب» آمده، همین معنا را ذکر کرده‌اند بدون اینکه از کلمه «حجاب» استفاده شود.

در قرآن کلمه «حجاب» ۷ مرتبه آمده^۱ که به معنای «پرده» و چیزی که مانع دیدن شود، به کار رفته است. در بین آنها، تنها آیه‌ای که مربوط به زنان است، آیه ۵۳ سوره «احزاب» می‌باشد که می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا سَأَلْتَهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾؛ یعنی: اگر از آنها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می‌کنید از پشت پرده از آنها بخواهید. در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی، هر جا نام «آیه

۱. اعراف: ۴۴ / فصلت: ۴ / مریم: ۱۷ / احزاب: ۵۳ / شوری: ۵۳ / ص: ۳۱ / اسری: ۴۷.

حجاب» آمده، مقصود همین آیه می‌باشد که مربوط به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۷۴) در قرآن کریم درباره زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستورهای خاصی وارد شده است. اولین آیه خطاب به زنان پیغمبر، آیه ۳۳ سوره «احزاب» می‌باشد که با این جمله آغاز می‌شود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ﴾؛ یعنی: شما با سایر زنان فرق دارید. اسلام به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توجه خاصی داشته و از آنان خواسته است، چه در زمان حیات آن حضرت و چه بعد از وفات ایشان، در خانه‌های خود بمانند. قرآن کریم صریحاً در آیه ۳۴ سوره «احزاب» خطاب به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾؛ یعنی: در خانه‌های خود بمانید. در این دستور، بیشتر منظورهای اجتماعی و سیاسی در کار بوده است. همچنین دلیل اینکه زنان پیغمبر از ازدواج با شخص دیگری پس از آن حضرت ممنوع شدند، نیز همین بوده است؛ زیرا ممکن بود از زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دلیل احترام زیادشان در بین مسلمانان، سوء استفاده‌های اجتماعی و سیاسی شود. بنابراین، درباره زنان پیغمبر دستورهای اکیدتر و شدیدتری وجود داشته است.

در قرآن کریم، آیات ۵۹ سوره «احزاب» و ۳۱ سوره «نور» در مورد پوشش زنان می‌باشند که در آنها نحوه پوشش زنان مسلمان توضیح داده شده است. آیه ۳۱ سوره «نور» حدود پوشش را مشخص می‌کند. آنچنان که از تفاسیر برمی‌آید، منظور این است که زن، مو، سینه، دور گردن و زیر گلوئی خود را بپوشاند.

در آیه ۵۹ سوره «احزاب» هم می‌فرماید: «ای پیغمبر! به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که جلیباب‌ها (روسری‌ها)ی خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، نزدیک‌تر

است و خدا آمرزنده و مهربان است.»

در این آیه سه نکته نهفته است:

الف. نوع پوشش زنان: در این آیه برای پوشش زنان از کلمه «جلباب» استفاده شده است. در اینکه جلباب چه نوع پوششی است، در بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. ولی بیشتر آنها بر این عقیده‌اند که جلباب جامه‌ای است از چارقد بزرگ‌تر و از عبا کوچک‌تر که زن به وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند. ولی جدای از معنای لغوی این کلمه، چیزی که بیشتر مورد نظر آیه بوده، این است که زن چنان با مراقبت جامه‌های خود را به خود گیرد که نشان دهد اهل عفاف و پاک‌دامنی است.

ب. علت و فایده پوشش: حفظ پوشش و نگه‌داشتن حریم عفاف، امری الهی است که خداوند آن را وسیله حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد قرار داده است. اسلام تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند بر احترامش افزوده می‌شود و امنیت بیشتری در جامعه خواهد داشت. درباره فلسفه و علت پوشش برای زنان، نکات بسیاری ذکر شده است که برخی از آنها جنبه روانی دارد، بعضی جنبه خانه و خانوادگی و برخی هم جنبه اجتماعی. ریشه اساسی‌تر آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأً برای کار و فعالیت باشد. برخی نکات در فلسفه پوشش عبارتند از:

۱. ایجاد آرامش در روابط: عدم رعایت پوشش مناسب و نبودن حریم میان زن و

مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار باعث افزایش هیجان‌ها و التهاب‌های

جنسی شده و متعاقب آن، فرد دچار پریشانی‌های روحی و روانی می‌شود. حفظ پوشش و سادگی زنان در روابط اجتماعی و بخصوص با افراد جنس مخالف، باعث آرامش و دوری از هیجانات می‌شود.

۲. حفظ لطافت و جود زن و دوری از تبرّج: یکی از دلایل اینکه در اسلام دستور پوشش به زنان اختصاص یافته این است که زن مظهر اسماء جمالی خداوند و سرشار از لطافت و احساس است، و تمایل به خودنمایی و خودآرایی دارد. به این میل خودنمایی و خودآرایی در اصطلاح عرب «تبرّج» گفته می‌شود که جزء ویژگی‌های زنان ذکر شده است. چنان‌که خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿... وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ...﴾؛ یعنی: مانند دوران جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی از خانه بیرون نشوید. یکی از ریشه‌های تبرّج غرور است و خداوند از زن خواسته است که با حفظ پوشش متواضع گردد و از تبرّج دور شود تا لطافت و جودش حفظ شود و دست نخورده باقی بماند.

۳. استحکام پیوند خانوادگی: هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و مطمئناً یکی از کارکردهای پوشش همین است که از عطف توجه مردان به زنان بیگانه جلوگیری کرده و باعث اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

۴. استواری اجتماع: کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند، حال آنکه حضور زنان در تمام عرصه‌های اجتماعی با حفظ پوشش مناسب باعث شکوفایی استعدادهای آنها شده و جامعه

نیز سالم‌تر و استوارتر به حیات خود ادامه خواهد داد.

۵. ارزش و احترام زن: چنان‌که در متن این آیه هم آمده است، دلیل داشتن پوشش مناسب این است که زنان مسلمان با تقوا، به ایمان و عفاف شناخته شوند و مورد آزار و اذیت بیماردلان قرار نگیرند. این دستور که در این آیه آمده است مانند دستوری است که در آیه ۳۲ همین سوره (احزاب) خطاب به زنان رسول خدا وارد شده است: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾؛ یعنی: ای زنان پیغمبر! شما همچون سایر زنان نیستید، اگر پرهیزگار باشید. مواظب باشید که در سخن نرمش زنانه و شهوت‌آلود به کار نبرید که موجب طمع بیماردلان گردد و به خوبی و شایستگی سخن بگویید. در این آیه، وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن، و در آیه مورد بحث، وقار در رفت و آمد و حضور اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. تمام این نکات نشان می‌دهد که اسلام عنایت خاصی به پوشش زنان و چگونگی حضور آنها در جامعه داشته است و می‌خواسته که زنان در نهایت امنیت و احترام در جامعه حضور داشته باشند.

ج. حضور اجتماعی زنان: نکته‌ای که در خود متن نیست ولی از سیاق آیه به دست می‌آید این است که زنان در جامعه و در محیط خارج از خانه و در حضور غیرمحارم است که به حفظ پوشش مناسب سفارش می‌شوند و حتی بالاتر از آن، به زنان گفته نشده است در جاهایی که بیماردلان هستند حضور نیابند، بلکه از آنها خواسته شده که با حفظ پوشش مناسب و با رعایت حریم عفاف، خود را به همگان به ایمان و پاک‌دامنی بشناسند تا بیماردلان به آنها طمع نبندند. بنابراین،

خود این آیه نشان‌دهنده جواز حضور زنان در جامعه است.

بررسی سیره نبوی و علوی نیز نشان می‌دهد که جامعه صدر اسلام شاهد حضور طبیعی زن مسلمان بوده و زن در همه عرصه‌های اجتماعی فعالانه شرکت داشته و این فعالیت و حضور زن مورد تأیید پیامبر و امامان علیهم‌السلام بوده است. اما چون برخی از خلفا و حاکمان پس از پیامبر و ائمه علیهم‌السلام با حضور زن در جامعه مخالف بودند، کم‌کم زن به نوعی از صحنه فعالیت‌های اجتماعی حذف گردید و به داخل خانه‌ها رانده شد. در ادامه، نمونه‌هایی از حضور زن در جامعه در صدر اسلام ارائه می‌شود.

زن و فعالیت علمی

فعالیت علمی زن در جامعه اسلامی، پهنه گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف به خود اختصاص داده است. به گواهی متون معتبر تاریخی، بحث و درس در صدر اسلام تنها منحصر به مردان نبود و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روز خاصی را برای زنان اختصاص داده بود. در صحیح بخاری از قول سعید خدری آمده است: «زنان، نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و عرضه داشتند: مردان در بهره‌گیری از محضر شما بر ما غلبه کرده‌اند، روزی را نیز به ما اختصاص دهید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روزی را خاص آنها قرار داد.» (بخاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹)

بهترین شاهد بر توفیق زن مسلمان در عرصه علمی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داستان اسماء دختر یزید انصاری است. این زن را به خاطر دانش و خرد و قدرت سخنوری‌اش «خطیبة النساء» (سخنور زنان) لقب داده بودند. او به نمایندگی از طرف زنان مسلمان مدینه مأمور شد به نزد رسول خدا برود و پیام گلایه‌آمیز زنان مدینه را به رسول خدا ابلاغ کند و جواب بگیرد. اسماء وقتی وارد شد که

رسول خدا در میان جمع اصحاب بود. گفت: «پدر و مادرم قربانت، من نماینده زنانم به سوی تو. ما زنان می‌گوییم: خداوند - عزوجل - تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی، ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آوردیم. ما زنان در خانه‌های خویش نشسته حاجت جنسی شما مردان را برمی‌آوریم، فرزندان شما را در رحم خویش می‌پرورانیم؛ اما از آن طرف می‌بینیم وظایف مقدس و کارهای بزرگ و ارجمند و پراجر و با ارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم. مردانند که توفیق نماز جمعه و جماعت دارند، به عیادت بیماران می‌روند، در تشییع جنازه شرکت می‌کنند، حج مکرر انجام می‌دهند و از همه بالاتر، توفیق جهاد در راه خدا را دارند. در صورتی که وقتی یک مرد به حج یا جهاد می‌رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می‌کنیم، برای جامه‌های شما نخ‌ریسی می‌کنیم، فرزندان شما را تربیت می‌کنیم. چگونه است که ما به زحمت‌ها شریک شما مردان هستیم، اما در وظایف بزرگ و مقدس و کارهای پراجر و پاداش شرکت نداریم و از همه آنها محرومیم؟»

رسول اکرم ﷺ نگاهی به اصحاب کرد و فرمود: آیا تا کنون از زنی سخنی به این خوبی، و منطقی بدین رسایی در امور دین شنیده‌اید؟

یکی از اصحاب گفت: خیال نمی‌کنم این سخن از خود این زن باشد. رسول خدا به جواب این مرد اعتنا نکرد، به اسماء رو کرد و فرمود: ای زن، آنچه می‌گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده‌اند نیز بازگو کن. پنداشتی هر که مرد شد، به واسطه این کارها که بر شمردی، توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می‌یابد و زنان محرومند؟ خیر، چنین نیست. زن اگر خوب خانه‌داری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارهایی که مردان انجام می‌دهند.

اسماء وقتی آن جواب را شنید، چهره‌اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی همفکرانش برگشت. (ابن اثیر، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۳۹۸-۳۹۹ / مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۴-۲۰۶)

در کتاب *الوافدات من النساء علی معاویة بن ابی سفیان* داستان ملاقات زنان ناموری که در دفاع از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقابل معاویه ایستادند، آمده است. معاویه تعبیر «قد فقهکم علی بن ابیطالب...» را درباره این زنان به کار برده و بر دانش و ایمان و جرئت وفاداری‌شان نسبت به امام اقرار کرده است. معاویه در خطاب به این زنان می‌گفت: «قد فقهکم علی بن ابیطالب فلن تطاقوا»؛ یعنی: علی بن ابیطالب به گونه‌ای شما را در فهم مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی پرورانده و توانمند کرده که به هیچ وجه تاب تحمل ستم و بی‌عدالتی نخواهید داشت. همچنین می‌گفت: هیئات... لَمْ تَطَّكُم علی بن ابیطالب الجرأة علی السلطان، فبطيء ما تفطمون»؛ یعنی: علی بن ابیطالب به گونه‌ای جرئت و جسارت نسبت به حاکم و قدرت را به شما چشاند که دیگر امکان بازداشتن شما از نقد قدرت حاکم به این زودی میسر نمی‌گردد. (ضبی، ۱۹۸۳، ص ۳۹؛ نقل از: آئینه‌وند)

زن و فعالیت اجتماعی

زنان در صدر اسلام، در تمام صحنه‌های اجتماعی مانند نماز جماعت در مسجد، نماز عیدین، مراسم دینی و حج حاضر بوده‌اند. زنان صحابی در مسائل اجتماعی و دینی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کردند و مانع و واسطه‌ای در کار نبود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنان خود را - با قید قرعه - با خود به سفر می‌برد. بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند. (بخاری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۳)

بیعت زنان با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم، مهم‌ترین نماد مشارکت اجتماعی - سیاسی

زنان در صدر اسلام به شمار می‌رود که آیه ۱۲ سوره «ممتحنه» نیز به آن اشاره دارد و بیانگر جواز بیعت کردن پیامبر ﷺ با زنان می‌باشد. پیغمبر اکرم از زنان بیعت گرفت، به این شکل که دستور داد ظرف آبی آوردند، دست خود را در آن فر برد و دستور داد زنان دست خویش را در آب فرو برند و این را بیعت شمرد. (غروی نائینی، [بی تا]، ۴۰)

آیات و گزارش بیعت‌های رسول خدا ﷺ با زنان، نشان می‌دهد که بر خلاف گفته مغرضان، اسلام زنان را در مسائل اجتماعی و سیاسی سهیم می‌دانسته و حضور آنها را می‌پذیرفته است. زنان در بیعت حدیبیه و در فتح مکه مانند مردان حضور داشتند. شمار زنان بیعت کننده با پیامبر خدا ﷺ به ۴۶۲ تن می‌رسد. (ابن سعد، ۱۹۵۸، ج ۸، ص ۵۱۴) همچنین در بیعت مسلمانان با حضرت علی ع در روز غدیر زنان نیز شرکت داشتند؛ چنان‌که امام صادق ع فرموده‌اند: در بیعت روز غدیر خم، زنان نیز شرکت داشتند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۱۱۲) زنان مؤمن و با تقوایی مانند اسماء دختر عمیس، ام سلیم دختر خالد خزرجی، ام ایوب، خوله دختر قیس انصاری، زینب ثقفیه و سوده دختر زمعه زانی بودند که در زیر درخت رضوان با رسول الله ﷺ بیعت کردند. (غروی نائینی، ۱۳۷۵، ص ۳۴، ۴۳، ۵۱، ۱۷۰، ۱۸۲، ۲۱۸)

پیامبر به زنان توصیه می‌کردند که در تشییع جنازه شرکت نکنند، ولی آنان را از این کار منع نکردند. در روایات آمده است که وقتی زینب دختر بزرگ رسول اکرم ع وفات کرد زهرای مرضیه ع و زنان مسلمانان آمدند و بر وی نماز خواندند. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۴) همچنین از ام عطیه نقل شده است: رسول اکرم ما را توصیه کرد که در تشییع جنازه شرکت نکنیم، ولی منع نفرمودند. (بخاری، بی تا، ج ۲، ص ۹۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان اجازه می‌داد به خاطر حاجتی که دارند بیرون روند و کار خویش را انجام دهند. سوده دختر زمه، همسر رسول خدا، زنی بلند قد بود. یک شب با اجازه رسول خدا به خاطر کاری از خانه بیرون آمد. با اینکه شب بود، عمر بن الخطاب وی را به خاطر بلندی قدش شناخت. (عمر در این خصوص تعصب شدیدی داشت و همواره به پیغمبر توصیه می‌کرد اجازه ندهد زنان بیرون روند.) عمر با لحن خشنی به سوده گفت: تو خیال کردی که ما تو را نشناختیم؟ خیر، شناختیم. پس از این، در بیرون آمدن خود دقت بیشتری بکن. سوده از همان جا مراجعت کرد و ماجرا را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند در حالی که رسول خدا مشغول خوردن شام بود. طولی نکشید که حالت وحی به آن حضرت عارض شد. پس از بازگشت به حالت عادی، فرمود: «انه قد اذن لکن ان تخرجن لحوادثک»؛ اجازه داده شده به شما که اگر حاجتی دارید بیرون روید. (بخاری، بی تا، ج ۷، ص ۴۹)

آنچنان که از تواریخ و نقل‌های حدیثی برمی‌آید، در میان صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله عمر بن الخطاب در مورد زنان بسیار سخت‌گیر بود و به خانه‌نشینی آنها توصیه می‌کرد.

در تفسیر کشاف ذیل آیه ۵۳ سوره «احزاب» آمده است: عمر خیلی علاقه‌مند بود که زنان رسول خدا در پرده باشند و بیرون نروند، زیاد این مطلب را به میان می‌گذاشت. به زنان پیغمبر می‌گفت: اگر اختیار با من بود، چشمی شما را نمی‌دید. یک روز به آنان گذشت و گفت: آخر شما با سایر زنان فرق دارید، همچنان که شوهر شما با سایر مردان فرق دارد. بهتر است به پرده در شوید. زینب

همسر رسول خدا گفت: پسر خطاب! وحی در خانه ما نازل می‌شود و آنگاه تو نسبت به ما غیرت می‌ورزی و تکلیف معین می‌کنی؟!

چنان‌که می‌دانیم، جهاد بر زنان واجب نیست، مگر وقتی که شهر و حوزه مسلمانان مورد حمله واقع شود و جنبهٔ صد در صد دفاعی به خود بگیرد. در عین حال، رسول خدا به زنان اجازه می‌دادند که در جنگ‌ها برای کمک به سربازان و مجروحان شرکت کنند. از جمله زنانی که با پیامبر بیعت نمودند و در جنگ‌ها حضور فعال داشتند، می‌توان به صفیه دختر عبدالمطلب (عمه پیامبر) و ام سنان الاسلامیه اشاره کرد. (ابن سعد، ۱۹۵۸، ج ۸، ص ۲۹۲)

از دیگر نمونه‌های حضور زنان در جامعه، همکاری در ساختن مسجد پیامبر ﷺ می‌باشد. سیدجعفر مرتضی عاملی از کتاب کشف الاستار عن زوائد البزار نقل می‌کند که زنان شب‌ها در حمل سنگ‌های بنای مسجد مشارکت داشتند و مردها در روز به این مهم می‌پرداختند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در اسلام زن‌ها با حفظ حجاب اسلامی و جداسازی محیط از مردان در فعالیت‌های اجتماعی حضور داشتند. (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲۳ / غروی نائینی، [بی‌تا]، ص ۴۵)

زن و فعالیت اقتصادی

دین اسلام، پیروانش را به کار و کوشش و سود بردن از امکانات بیشتر برای تولید ثروت و رشد و توسعه جامعه، تشویق می‌کند و در آن، زن و مرد تفاوتی ندارند. نمونهٔ بارز زنانی که در صدر اسلام فعالیت اقتصادی داشتند، حضرت خدیجه کبری همسر پیامبر ﷺ بود که چه قبل از ازدواج با پیامبر و چه پس از آن، به

ثروت و دارایی زیاد معروف بود و در تجارت ید طولایی داشت. البته چنان‌که از احادیث شیعه برمی‌آید، معروفیت وی در زمان خود تنها به دلیل مال و ثروت زیاد نبود، بلکه در علوم و اطلاع به کتب روایت معروف بود و به عقل و کیاست مزیت تام داشت. وی نیاز تهیدست را برآورده می‌نمود و گرسنه را اطعام می‌کرد و برهنه را می‌پوشاند و در اخلاق و نسب و ثروت میان قوم خود و همگنانش منحصر بود.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مورد فضایل حضرت خدیجه فرموده‌اند: او اولین زنی بود که در مکه با رسول خدا نماز به جماعت خواند، اولین زنی بود که دشمن را از رسول خدا دفع می‌کرد، اولین زنی بود که تمامی اموال خود را به رسول خدا بخشید، و نیز در اسلام اول زنی بود که ایمانش به حد کمال رسید. (محلاتی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۸)

همچنین متون تاریخی از فعالیت اقتصادی زنان دیگر در صدر اسلام خبر می‌دهد. برای نمونه، همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، زینب دختر جحش اسدی در صنایع دستی شهرت داشته است. قبیله انماری تاجر بوده و در باب داد و ستد از پیامبر صلی الله علیه و آله راهنمایی می‌گرفته است. حواء، زنی بوده که در مدینه عطاری داشته است. اسماء و آمنه دختر عنان خواهر عثمان، آرایشگر زنان بودند و پیامبر در این شغل به آنها اجازه داده بود. (کرکر، ۱۹۹۳، ص ۳۰۷-۳۰۹)

بعضی از زنان در عصر نبوی صلی الله علیه و آله کتابت می‌دانستند و به تعلیم آن می‌پرداختند. شفاء دختر عبدالله بن عبد شمس عدوی از جمله این زنان بود و پیامبر به ایشان دستور تعلیم خط به زنان داده بودند. (همان)

به طور کلی، برای زنان آن دوره مشاغل ذیل ذکر شده است: صنایع دستی، نخریسی، پارچه بافی، دست فروشی، آرایشگری، دامداری و چوپانی، کشاورزی و باغداری، خیاطی، خدمتکاری، نظافت، شیردهی، حضانت و نگه‌داری اطفال، پرستاری و خدمات ضروری پزشکی. (آئینه‌وند، ۱۳۸۴، ص ۲۰)

مقایسه حضور زن در عصر نبوی و علوی با دوران پس از آن

همان‌گونه که بیان شد، در زمان پیامبر ﷺ که جامعه مستقیماً متکی به قرآن بود و از سنت بهره می‌گرفت، زن دارای حضور فعال و جدی در امور مختلف جامعه بود و اگر برخی افکار و عادات رخ می‌داد (از جمله، سخت‌گیری عمر بن الخطاب نسبت به زنان)، به کمک وحی و ارشاد پیامبر ﷺ اصلاح می‌شد.

بنابراین، در عصر نبوی و علوی جامعه شاهد حضور طبیعی زن مسلمان بود، ولی پس از حاکمیت امویان و عباسیان، به تدریج سیره پیامبر ﷺ در حوزه اداره جامعه اسلامی کم‌رنگ شد و زن هم به نوعی از صحنه فعالیت‌های اجتماعی حذف گردید و به درون خانه‌ها رانده شد.

در مقایسه عصر نبوی با عصر علوی، می‌بینیم در حالی که رسول خدا ﷺ زنان را در جنگ‌ها در بخش خدمات و درمان و انتقال مجروحان سهیم می‌کردند، امیرالمؤمنین در نبردهای داخلی خود، زنان را در مدیریت فرهنگی، هدایت سیاسی، تحلیل حوادث، تبیین اهداف احزاب دشمن و شناخت چهره‌ها و دولت‌مردان به مردم، پیش می‌بردند. به صورتی که زنان در دفاع از حضرت علی (علیه السلام) چنان در مقابل معاویه ایستاده و سخن گفتند که در متون تاریخی آمده

است: «فبهت معاویه فنظر اليها من كلامها»؛ معاویه در حالی که از سخنش مبهوت شده بود به آن زن خیره مانده بود. (آئینه‌وند، ۱۳۸۴، ص ۲۳)

اروی بنت حارث از اصحاب رسول الله ﷺ و امام علی علیه السلام در حالی که پیرزنی بود، بر معاویه - پس از آنکه با نیرنگ به خلافت رسیده بود - وارد شد و او را به خاطر خلافت ناحقی که غضب کرده بود، استیضاح کرد و آبروی خلیفه را در برابر درباریان بریخت. (ابن طیفور، ۱۹۸۷، ص ۴۳)

از دیگر زنانی که در برابر سیاست حاکم، موقعیت خویش را اعلام کرد، زنی مسلمان و فاضل به نام جرّوه بود. هنگامی که معاویه او را به دربارش احضار کرد، با شجاعت تمام، از ظلم معاویه شکایت کرد. (امین، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۷۰)

بنابراین، با توجه به پیش‌ذهنیت‌های عصر جاهلیت، روش ملایم و تدریجی پیامبر ﷺ و نیز با اتکا به قرآن کریم و سیره پیامبر ﷺ، حرکتی در حال شکل‌گیری بود که از یک سو، زن بتواند آمادگی و توانایی حضور مؤثر در جامعه را بیابد و از سوی دیگر، جامعه و ذهنیت افراد، بخصوص مردان، آمادگی پذیرش حضور زن در عرصه‌های مختلف را کسب کند؛ ولی متأسفانه عمر این حضور بسیار کوتاه بود و با به حکومت رسیدن امویان و عباسیان، این طرز فکر و رفتار که هنوز نهادینه نشده بود کم‌رنگ شد و جایش را به تحریفات علیه زنان داد؛ زیرا زنان در عصر نبوی و علوی از چنان رشدی برخوردار شده بودند که می‌توانستند مستقیماً به عرصه اداری جامعه وارد شوند، ولی امویان زن را به مثابه ابزاری در اختیار حاکمیت می‌خواستند تا از آن سود ببرند و هیچ‌گاه به مصلحت خود نمی‌دیدند که زن را به عنوان شریک قدرت در سیاست وارد کنند. بنابراین،

بازگشتی به عصر جاهلیت آغاز شد و احادیث مجعولی جای سیره را گرفت و با استناد به آنها، زن از عرصه فعالیت اجتماعی کنار گذاشته شد. در حقیقت، درست در زمانی که زن توان و قدرت حضور در جامعه را پیدا کرده بود، با سردمداران اموی برخورد کرد. آنان عملاً زن را در مثلث مال و قدرت وارد کردند و به گونه‌ای ابزار و بی‌بهره از قدرت، او را در اختیار خود گرفتند. این رفتار و کردار حکومتی، نه به عنوان رفتار اسلامی است و نه در امتداد عصر نبوی و علوی، بلکه بازگشتی است به عصر جاهلیت و ظلمی است که در حق زن مسلمان شده و در طول تاریخ امتداد یافته است.

نتیجه

از آنچه بیان شد، این نکته آشکار می‌شود که اسلام به هیچ وجه خواهان پرده‌نشینی و خانه‌نشینی زن نبوده و نیست، و آنچه که در طول تاریخ بر سر زنان رفته است، نه تنها از ناحیه اسلام نبوده، بلکه اسلام مخالف آن نیز بوده است. پرده‌نشینی زن در طول تاریخ نتیجه سنت‌ها و تعصب‌های نابجا و بعضاً غرض‌ورزی‌هایی است که از جانب برخی افراد رخ داده است. اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط، بلکه حریم. سنت جاری مسلمانان از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجامع و مجالس منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است.

زن مسلمان در صدر اسلام، با حضور فعال در جامعه، در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی قدرت و توان داشت و فعالیت او مورد تأیید و تأکید پیامبر ﷺ و امامان بود، ولی وقتی کار مدیریت جامعه به مدیران عصر اموی و پس از آن رسید، برای حفظ منافع خود، زن را از جامعه حذف کرده و خانه‌نشین ساختند. این عملکرد هیچ تناسبی با اصل اسلام و سیره پیامبر ندارد. حقیقت اسلام این است که با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در جامعه. زن می‌تواند با پوشش مناسب و با رعایت حریم، در تمام عرصه‌های اجتماعی به فعالیت پردازد و در توسعه کشور سهمیم باشد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. آئینه‌وند، صادق؛ *تاریخ زنان صدر اسلام*؛ تهران: جهاد دانشگاهی الزهراء، ۱۳۶۲.
۲. _____؛ «زنان در نخستین سده‌های اسلامی»؛ *مجله پژوهش زنان*؛ دوره ۳، ش ۳، ۱۳۸۴.
۳. ابن اثیر؛ *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*؛ قاهره: دارالشعب، ۱۹۷۰.
۴. ابن سعد؛ *الطبقات الكبرى*؛ تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت: بی‌نا، ۱۹۵۸.
۵. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر؛ *بلاغات النساء*؛ بیروت: دارالحدائث للطباعة و النشر، ۱۹۸۷.
۶. امین، سیدمحسن؛ *اعیان الشیعه*؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *صحیح بخاری*؛ بی‌نا.
۸. دورانت، ویل؛ *تاریخ تمدن*؛ تهران: فرانکلین، ۱۳۴۱.
۹. عاملی، جعفر مرتضی؛ *الصحیح من سیرة النبی*؛ بیروت: دارالهادی - دارالسیره، ۱۴۱۵.
۱۰. غروی نائینی، نهل؛ *محدثات الشیعه*؛ تهران: مرکز نشر دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
۱۱. _____؛ «مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام»؛ *مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی*، [بی‌نا].
۱۲. کرکر، عصمه الدین؛ *المرأة فی العهد النبوی*؛ بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳.
۱۳. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الانوار*؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۱۴. محلاتی، ذبیح‌الله؛ *ریاحین الشریعه*؛ ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌نا.
۱۵. مطهری، مرتضی؛ *مسئله حجاب*؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۳.
۱۶. نهری، جواهر لعل؛ *نگاهی به تاریخ جهان*؛ محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۸.